

## نقش و جایگاه مدیریت مشارکتی در توسعه و عمران شهری

محسن آشناور<sup>۱\*</sup>، ابراهیم واشقانی فراهانی<sup>۲</sup>، ابوالفضل ربیعی فرداد<sup>۳</sup>

۱- فارغ التحصیل مقطع کارشناسی رشته عمران، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

۲- کارشناسی ارشد مهندسی سازه های دریایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

۳- کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ساوه، ساوه، ایران

*Mashnavar@yahoo.com*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۹

### چکیده:

نظام مدیریت مشارکتی، نظام همکاری فکری و عملی کلیه اعضای یک سازمان با سطوح مختلف مدیریتی آن سازمان است. در این نظام، کلیه افراد سازمان، درباره روش های حل مسائل و ارتقاء بهره وری سازمان، فعالانه اندیشه کرده و حاصل آنرا در قالب طرح ها و پیشنهادهای به سازمان ارائه می کنند. بدین طریق سازمان از یک نظام هم فکری و هم اندیشی برای رسیدن به اهداف سازمان بهره می جوید. نظام مدیریتی به تعبیری در واقع نوعی نظام مدیریت شورایی با شکل خاص خود است. در این نظام برای افکار و خلاقیت های کلیه اعضای سازمان ارزش شایسته قائل شده و در تصمیم گیری از آن ها استفاده می شود، وجود و جریان این نظام نتایج و پیامدهای مثبت و مطلوب متعددی در بر دارد که در مجموع نقش مهمی در فرآیند توسعه منابع انسانی ایفاء می کند هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش و جایگاه مدیریت مشارکتی بر توسعه و عمران شهری بود. برای بررسی مبانی نظری پژوهش از منابع علمی و کتابخانه ای بهره برده شد و همچنین برای بررسی کمی رابطه بین متغیرها از پرسشنامه استفاده شد. به این منظور تعداد ۵۰ پرسشنامه بین کارشناسان حوزه شهری توزیع شد. داده های به دست آمده از پرسشنامه ها با کمک نرم افزار **SPSS** و از طریق آزمون آماری پیرسون تحلیل شدند. نتایج بدست آمده نشان می دهد که رابطه مدیریت مشارکتی و توسعه و عمران شهری رابطه مستقیم بوده که می تواند باعث بهبود توسعه و عمران شهری گردد.

واژگان کلیدی: مشارکت، مدیریت مشارکتی، توسعه، عمران شهری

## ۱- طرح موضوع:

امروزه کشورهای در حال توسعه به منظور تقویت زیر بناهای اقتصادی و رهایی از وابستگی رفع عدم تعادل های موجود بیش از هر زمان دیگر نیازمند برنامه ریزی و شناسایی امکانات و منابع کشورشان می باشند به طور یقین در برنامه ریزی رشد و توسعه کشور شناخت موقعیت و جایگاه مناطق مختلف از مهمترین عوامل در جهت نیل به پیشرفت می باشد (حقی و کرمی نسب، ۱۳۹۹: ۱۲۹) مشارکت، وسیله ای برای دستیابی به اهداف توسعه انسانی و یک ارزش مستقل در توسعه جوامع شهری به حساب می آید. در اجرای هر طرح که مردم در مراحل از آن مشارکت فعالانه داشته باشند؛ غالباً موفقیت حاصل می شود و به همین دلیل مشارکت مردم به عنوان مهم ترین عامل در موفقیت طرح ها بشمار می رود. افزایش مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری تأکید بیشتر در برنامه ریزی هماهنگ و مشارکتی می باشد. در این شیوه برنامه ریزی نقش مردم از حالت نمایشی به جنبه محوری پیدا می نماید. در واقع مفهوم مشارکت مردمی با مفهوم کارآیی، تمرکززدایی و حکومت های محلی در هم آمیخته شده و حکومت های محلی را بصورت گزینه قابل توجه برتر مطرح می سازد (رجی، ۱۳۹۰: ۲۸) رشد و توسعه پایدار یک کشور در همه عرصه های داخلی و بین المللی در گرو رعایت حقوق شهروندی می باشد. در مدیریت شهری نوین و در جهانی که به طور فزاینده ای به سمت شهری شدن گام بر می دارد، مشارکت شهروندی جایگاه والایی دارد (رحمانی، ۱۳۹۱: ۱۹۰). برای تحقق این مهم نخست باید شهرداری از طریق انجام مطالعات و پژوهش های اجتماعی ظرفیت ها و امور قابل واگذاری به شهروندان و بخش خصوصی را زمینه سنجی نموده و امکانات و منابع فنی و مالی لازم را در اختیار داوطلبین قرار دهد. در مرحله بعد لازم است که میزان اثربخشی اقدامات صورت گرفته در این زمینه در مناطق مختلف شهرداری مورد سنجش و تحلیل دقیق قرار بگیرند و در نهایت راهکارها و شیوه های اجرایی در مناطق مختلف با یکدیگر مقایسه شده و شیوه های مبتکرانه تر، کم هزینه تر و کارآمدتر شناسایی و معرفی گردند. مشارکت و دخیل کردن شهروندان در روند تهیه و اجرای طرح های برنامه ریزی فضا من موفقیت مدیریت شهری می باشد. پژوهش تجربه کشورهای مختلف جهان در طرح های توسعه شهری، نشان می دهد موفقیت طرح ها در بسیاری موارد از قدرت دولت خارج بوده و در گرو

مشارکت مردم و نهادهای محلی هستند و تنها با جلب اعتماد عمومی، تشویق مردم در مراحل مختلف طرح و استفاده از مشاوره عمومی می توان به موفقیت های مطلوب دست یافت (رجی ۱۳۹۰: ۳۱)

در کشور ما مکانیسم های خاصی برای آگاهی و اظهار نظر مردم در مورد کلیات طرح توسعه شهری و با بخش هایی از آن تعریف شده که نمونه آن در قالب طرح های محله محوری و شورایاری ها در سطوح مختلف ملی در حال اجرا می باشند، اما به دلیل بهاء ندادن به مشارکت مردم در برنامه ریزی های ملی، منطقه ای، شهروندان فقط زمانی از طرح مطلع می شوند که بخواهند پروانه ساخت با ساز ملک شخصی خود بگیرند. چنین وضعیتی باعث می شود شهروندان احساس تعلق روحی و معنوی کم تری به شهر خود و مدیریت و اداره ی آن داشته باشند و نه تنها مشوق اجرای طرح های توسعه نباشند، بلکه طرح ها را به خاطر دخل و تصرف در ملک شخصی خود مانعی قلمداد کنند (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۶)

به طور کلی مشارکت از دو جهت تأثیر اساسی در فرآیند طرح های توسعه شهری دارد. نخست این که مشارکت یکی از ابزارهای لازم برای دستیابی به شناخت و تصمیم گیری درست محسوب می شود، که از طریق مراجعه به خرد جمعی، بهره گیری از تبادل نظر و توافقی های گروه های مؤثر در طرح ها به دست می آید. دوم این که مشارکت تنها راه بهره گیری از تمامی امکانات طبیعی و انسانی شهر و شهروندان در جهت طرح های توسعه شهری است. به طور خلاصه رویکرد مشارکتی هم به عنوان مبنای تصمیم سازی و تصمیم گیری جمعی در عرصه برنامه ریزی و مدیریت یکی از لوازم توسعه پایدار، جامعه مدنی و دموکراسی محسوب می شود (نجانی حسینی، ۱۳۷۹: ۴۱)

با توجه به مطالب فوق حال سؤال زیر پیش می آید نقش مدیریت مشارکتی در توسعه و عمران شهری چیست؟ محقق برای پاسخگویی به این سؤال در پژوهش حاضر به بررسی و پژوهش علمی این موضوع پرداخته است.

## ۲- مفاهیم کلیدی:

### ۲-۱- مدیریت مشارکتی<sup>۱</sup>

یکی از نظام های مدیریتی پویا که نقش مهمی در توسعه منابع انسانی و در نتیجه فرآیند توسعه دارد نظام مدیریت مشارکتی است. این نظام مدیریتی به عنوان یک نظام مطلوب و کارآمد هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی آزمون های موفق خود را گذرانیده است و هم اکنون در کشورهای پیشرفته و نیز در کشورهای در حال توسعه کاملاً مورد استفاده بوده و از جایگاه مناسبی برخوردار است. از آنجائیکه منابع انسانی از عوامل زیربنایی فرآیند توسعه می باشد و هرگونه توفیق در فرآیند توسعه پایدار یک سازمان مشروط به توفیق در توسعه منابع انسانی است، از اینرو، اهمیت و ضرورت توجه به نظام های مدیریتی توسعه دهنده منابع انسانی آشکار می شود (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۱)

مدیریت مشارکتی، نوعی سبک مدیریت می باشد که مشخصه اصلی آن کاربری فراوان روش تصمیم گیری گروهی است، این سبک کاملاً در نقطه مقابل مدیریت خردمدار است. در سبک مشارکتی غالباً بر این باورند که بدین وسیله انسان ها بطور عاطفی خوب کار می کنند، گاهی آن را مدیریت دموکراتیک نیز می نامند (جعفری و کیمیایی، ۱۳۸۶: ۲۰). رهبری یا مدیریت مشارکتی سبکی است که در آن تصمیمات با مشارکت کارکنان اتخاذ می گردد (تدبیری و گیوربان، ۱۳۸۴). این نوع مدیریت، نوعی سبک رهبری است که معتقد است از طریق توانمند سازی کارکنان می توان موجبات بهبود عملکرد کاریشان را فراهم نمود (صادقی و رهنما، ۱۳۹۰: ۳۹)

مدیریت مشارکتی نظام همکاری فکری و عملی کارکنان یک سازمان با سطوح مختلف مدیریتی آن سازمان است. در این نظام کلیه افراد سازمان درباره روش های حل مسائل و ارتقای بهره وری سازمانه فعالانه اندیشه حاضر آن را در قالب طرح ها و پیشنهادهای به سازمان ارائه می کنند. بدین طریق یک نظام همفکری و هم اندیشی برای رسیدن به اهداف سازمان وجود دارد. و مدیریت سازمان از گنجینه غنی طرح ها برخوردار شده و برای نیل به اهداف سازمانی از آن ها بهره می جوید (راهی، ۱۳۸۵: ۲۱۰)

<sup>1</sup> Participatory Management

## ۲-۲- سیر تکوین مدیریت مشارکتی

مشارکت یک مفهوم قدیمی است که ریشه در اداره امور عمومی و افکار مذهبی دارد. به عنوان مثال مشارکت بر مبنای مشورت در اسلام تحت عنوان شورا مورد توجه قرار گرفته است. مدیریت مشارکتی علیرغم قدمت تاریخی خود، بعد از انقلاب صنعتی به صورت علمی مورد بررسی قرار گرفت. پیدایش نظریه های کلاسیک، ساختار، تخصص گرایی، عقلایی بودن، و نظم و ترتیب را در سازمان ها مورد تاکید قرار دادند (ایمانی، ۱۳۹۰: ۲۶) تضادهایی که فلسفه کلاسیک با روح و روان انسانی داشت، موجب گشت توجه به روابط انسانی معطوف گردد (زمردی، ۱۳۹۵: ۱۲)

در سال ۱۹۷۲ الون مایو<sup>۱</sup> و همکارانش سعی کردند بین شرایط کاری و بهره وری رابطه ای پیدا کنند. این مطالعات بر حسب تصادف، اهمیت مدیریت مشارکتی را کشف کرد و رفته رفته با تاکید بر جنبه های اجتماعی گروه های کار، مکتب جدیدی با نام اروابط انسانی، پایه گذاری شد که سعی می کرد مشارکت واقعی را مورد تشویق قرار دهد (قوت دین ۱۳۹۴: ۴۰)

مدیریت مشارکتی با کار اندیشمندانی چون آرجریس<sup>۲</sup> (۱۹۵۵)، لیکرت<sup>۳</sup> (۱۹۶۱)، هرزبرگ<sup>۴</sup> (۱۹۶۸) و لاولر<sup>۵</sup> (۱۹۸۶) رو به رشد نهاد و با اشکال و عناوین مختلف، نظیر مدیریت بر مبنای هدف، نظام پیشنهادها گروه های بهبود کیفیت، و گروه های خودگردان به حیات خود ادامه داد (ایمانی، ۱۳۹۰: ۲۸) مدیریت کیفیت فراگیر (گران و همکاران؛ ۱۹۹۲) یادگیری سازمانی (داگسون؛ ۱۹۹۲) نظر به قدرت دهی

براون و لاولر؛ (۱۹۹۲) و دموکراسی صنعتی (درب، ۱۹۶۹) است (مصدقی راد: ۱۳۸۰: ۱۰۱)

## ۲-۳- دلایل عمده تمایل به مدیریت مشارکتی توسط سازمانها

مهمترین دلایل عمده تمایل به مدیریت مشارکتی توسط سازمانها را می توان در موارد زیر جستجو کرد:

<sup>1</sup> Elton Mayo

<sup>2</sup> Argyris

<sup>3</sup> Likert

<sup>4</sup> Herzberg

<sup>5</sup> Lawler

<sup>6</sup> Grant et al

<sup>7</sup> Dodgson

<sup>8</sup> Braun

✓ شریک شدن در کامیابی ها و کاهش ناکامی ها:

سازمان ها می دانند که سهیم کردن همه کارکنان درگیر در کار پذیرش مسئولیت پادزهری نیرومند در برابر ساده انگاری و شکست و ناکامی است

✓ پدیدار شدن کارکنان دانشگر:

سال های اخیر گواهی بر دگرگونی چشم گیر در قلمرو شایستگی های نیروی کار می باشد و مدیریت مشارکتی راهی برای بهره گرفتن از این منبع در سازمان است (پلوتنک و فوریه، ۱۳۸۰: ۷۱)

البته این بدین معنا نیست که هر محیطی مساعد برای مدیریت مشارکتی می باشد، به عبارتی دیگر مدیریت مشارکتی در هر موقعیت بهترین راهبرد نیست. بلکه این نوع مدیریت بیشتر در محیط های متغیر دارای تصمیمات ناهمگون کارایی دارد (رجبی، ۱۳۹۰: ۳۱)

۴-۲- ویژگیها و عناصر مدیریت مشارکتی

مدیریت مشارکتی نیازمند مسئولیت و پاسخگویی و اعتماد به کارکنان است. در این زمینه مهم آن است که مدیر استعدادهای کارکنانش را بشناسد و از آنها در جهت بهبود کار استفاده کند (شیخ محمدی و تولید زاده، ۱۳۸۰: ۳۱) کلانک چهار عنصر کلیدی برای مدیریت مشارکتی اثر بخش ذکر می کند که عبارتند از:

همدلی! این بدین معناست که فرد قادر باشد خودش را بطور کامل جای دیگری قرار دهد و جهان را آنگونه ببیند که او می بیند.

برآورد کردن! در بر گیرنده فهم نقاط قوت و محدودیتهای دیگران و همچنین تعصبات و باورهای آنها میباشد.

شفافیت و وضوح در هدف! از آنجا که رسیدن به توافقی در مدیریت مشارکتی مشکل است لذا این عامل می تواند این امر را تسهیل کند. چنانکه به عقیده استاتن<sup>۱</sup> اصل اساسی در مدیریت مشارکتی این

<sup>1</sup> Empathy

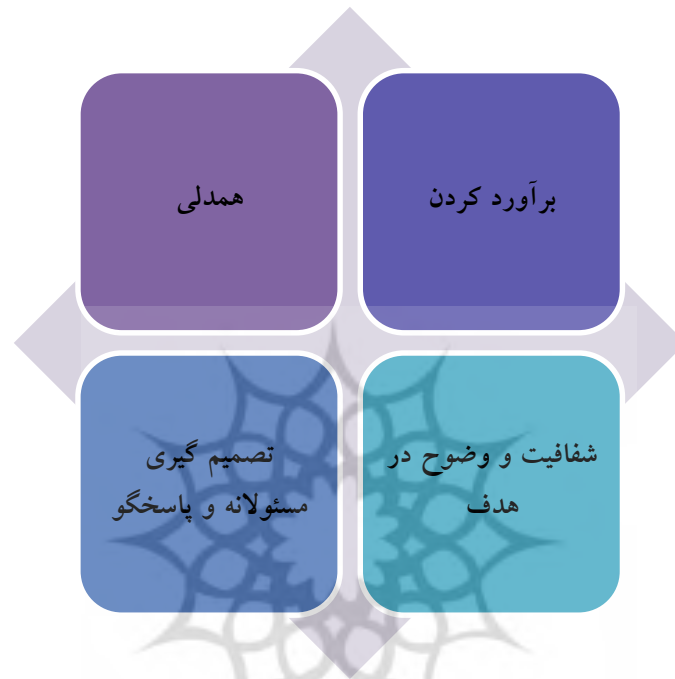
<sup>2</sup> Inventory

<sup>3</sup> Goal Clarity

<sup>4</sup> Staten

است: همه کارکنان بطور فعال در یک هدف مشترک که بصورت روشن تعریف شده و توسط هر یک از کارکنان به درستی درک شده است، درگیر شوند.

تصمیم گیری مسئولانه و پاسخگو؛ از آنجا که در مدیریت مشارکتی تصمیمات از طریق مشارکت اتخاذ میشود؛ لذا مسئول بودن در قبال تصمیمات اتخاذ شده امری مهم می باشد (رهنورد، ۱۳۸۰: ۱۰۸)



شکل ۱: چهار عنصر کلیدی برای مدیریت مشارکتی از نظر کلانک. ترسیم از نگارنده

علاوه بر این عناصر اساسی و ضروری دیگر برای مدیریت مشارکتی عبارتند از: سهیم بودن در اطلاعات مربوط به کار و نتایج حاصل از آن، داشتن دانشی که به فرد اجازه دهد نتایج کار را درک کرده و برای رسیدن به آن کمک کند، قدرت و توانای تصمیم گیری و شرایط و موقعیت برای فرد معنادار باشد (قوت دین، ۱۳۹۴: ۲۸)

<sup>1</sup> Responsible Decision Making

## ۲-۵- هدف مدیریت مشارکتی

مدیریت مشارکتی دو هدف عمده را دنبال می کند: نخست، ارج نهادن به ارزش های انسانی و به بازی طلبیدن افرادی که به نوعی با سازمان در ارتباط اند. دوم، رسیدن به هدف های از پیش تعیین شده به کمک همین افراد. این هدف ها بر چند اصل اساسی استوار است:

۱. هر فرد عضو سازمان جزئی از یک ماشین بزرگ به حساب نمی آید بلکه انسانی برخوردار از قدرت تفکر، هوش و استعداد و تجربه های گرانقدر است که هر گاه زمینه ها و شرایط مساعد فراهم شود، می تواند همه چیز را به نفع خود و سازمان خود تغییر دهد.

۲. هر کار لزوماً به بهترین و مفیدترین حالت ممکن انجام نمی شود و بی تردید می توان هر کار معین را به گونه ای بهتر انجام داد و بهبود مستمر در انجام کار به کمک اعضای مجموعه به صورت گروهی انجام می شود

۳. مشارکت کارکنان کمک می کند تا مدیریت از بسیاری کارهای جزئی آسوده شود و به کارهای اساسی بپردازد (زمردی، ۱۳۹۵: ۱۹)

## ۲-۶- مفهوم توسعه شهری

توسعه شهری به عنوان یک مفهوم فضایی را می توان به معنی تغییرات در کاربری زمین و سطوح تراکم، جهت رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا و غیره، تعریف کرد. چنین توسعه ای زمانی پایدار خواهد بود که در طول زمان، شهری از نظر زیست محیطی قابل سکونت و زندگی (هوای پاک، آب آشامیدنی سالم، اراضی و آبهای سطحی و زیرزمینی بدون آلودگی و غیره)، از نظر اقتصادی بادوام (اقتصادی شهری باید بتواند با تغییرات فنی و صنعتی جهت حفظ مشاغل پایه ای اش هماهنگ شود و مسکن مناسب و در حالی استطاعت مساکنش را با یک بار مالیاتی سرانه عادلانه تأمین نماید)، و از نظر اجتماعی همبسته (الگوهای کاربری زمین، همبستگی اجتماعی و احساس شهروندی باشد) که انسان بتواند در آمدی عادلانه به دست آورد، سرپناه مناسب تهیه کند، احساس راحتی کند و تلاش و وقت خود را وقف حفاظت از تصویر شهر نماید. ساخت یک اقتصاد شهری قوی و شهری قابل زندگی از نظر زیست محیطی، باید با تلاشهایی به هدف حفظ



گروه های اجتماعی موجود و ارائه اشکال نوین اداره شهر و کنترل آن، دست در دست هم داده تا بتوانند همبستگی و انسجام اجتماعی را حفظ کنند (یارمحمدنوسکی، ۱۳۹۴: ۵۸)

دیدگاه مبتنی بر بعد اجتماعی یا لایه برابری، مساوات و عدالت اجتماعی توسعه پایدار در حوزه اکولوژی اجتماعی و شاخه فرعی آن اکولوژی شهری مورد بحث قرار می گیرد که معتقد است بازیگر اصلی در توسعه انسان و اجتماعات او هستند. با وجود پذیرش اصول توسعه پایدار، یعنی رفع نیازهای کنونی بدون محرومیت نسلهای آینده در توسعه شهری و زمینه های مربوط به آن، ضرورت کاهش نابرابریهای عصر حاضر به همان میزان (و احتمالاً بیشتر از آن)، نگرانی پیرامون وضع نسلهای آینده است. در بطن شهرهای جهان سوم و در حال توسعه، مقیاس و دوام نابرابریها، آسیب پذیری و فقر اقشار کم درآمد، هر چه بیشتر بر اهمیت این نگرش به توسعه پایدار می افزاید (دیکسون، ۲۰۱۱: ۲۱۰)

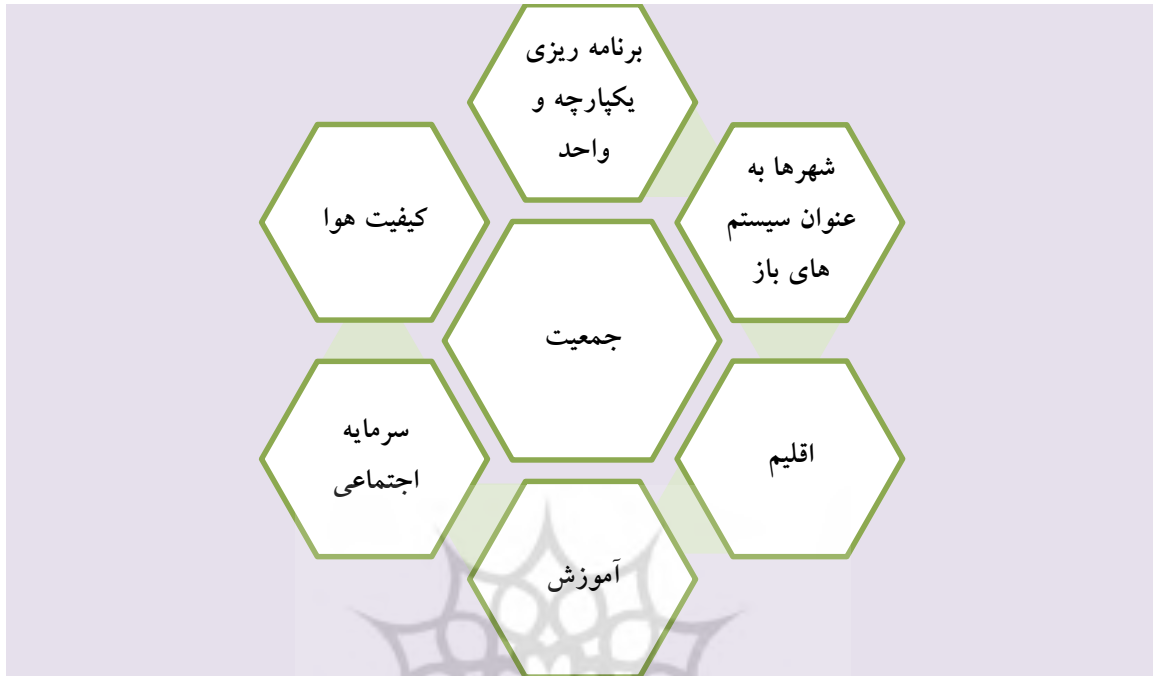
اگر توسعه شهری را به عنوان یک مفهوم فضایی که به تغییراتی در کاربری اراضی برای تامین نیازهای بشری و یا به افزایش تراکمها می انجامد در نظر بگیریم، از نظر اجتماعی توسعه ای پایدار خواهد بود که جوامعی همگن و همبسته را ایجاد نماید و در آن ساکنان شهر احساس شهروندی و وجود عدالت و برابری داشته باشند و شکافهای اجتماعی ترمیم گردد. این کار در صورتی محقق خواهد شد که اراضی و تخصیص منافع و امکانات میان واحدهای فضایی و اجتماعی برابری و حداقل همراه با مساوات نسبی صورت بگیرد (ربیعی فر، ۱۳۹۲: ۳۹)

توسعه و برنامه ریزی شهرها در گذشته بیشتر به زیر ساختهای فیزیکی نظیر آب، برق، فاضلاب، راهها و حمل و نقل، انرژی و غیره که شکل جامع با کالبد آن را تشکیل میدهند، توجه نشان میداده است. پایداری اجتماعی شهرها به آسانی با طراحی فیزیکی به دست نمی آید. افراد جامعه به عنوان سرمایه های انسانی و اجتماعی نقش اصلی را در توسعه پایدار داشته و دارند. خصوصیات اجتماعی و اقتصادی آنها و تحلیل فضایی مؤلفه ها با نماگرهای اجتماعی - اقتصادی که از داده های جمعیتی در مناطق و حوزه های شهری به دست می آید، می تواند میزان تحقق اصل برابری جغرافیایی و تأمین نیازهای اساسی را در طرح ها و برنامه های توسعه شهری، ارزیابی و آزمون نماید (رهنمایی، ۱۳۹۰: ۴۱)

#### ۷-۲- شاخص های توسعه پایدار شهری

<sup>1</sup> Dixon

با توجه به دیدگاه های نظری در مورد توسعه پایدار شهری، مهمترین شاخص های توسعه پایدار شهری که شناسایی شده اند به شرح زیر می باشند که در شکل زیر ترسیم شده است:



شکل ۲: شاخص های توسعه پایدار شهری. ترسیم از نگارنده

چنانچه اجرای مدیریت مشارکتی و نظام های تشکیل دهنده آن با موفقیت همراه باشد، از مزایا و پیامدهای چون بهبود روابط انسانی بین مدیریت و کارکنان، تقویت انگیزش در کارکنان، بهبود گردش کار در سازمان، بروز خلاقیت و نوآوری، تقلیل هزینه های تولید کالا و خدمات، افزایش احساس تعلق سازمانی در کارکنان و همسو شدن هدف های آنان با هدف های سازمان و در نهایت افزایش رضایت مشتری و به دست آوردن سهم بیشتر در بازار برخوردار خواهند بود (حسین زاده، ۱۳۸۷: ۸۱)

### ۳- روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با جمع آوری اسناد کتابخانه ای و پیمایشی میدانی انجام گرفته است. در مطالعات میدانی تحقیق، با استفاده از پرسشنامه داده های مورد نیاز جمع آوری و نتایج یافته ها استخراج، جمع بندی و تحلیل شده است. روش نمونه گیری در این تحقیق از نوع هدفمند بوده و از پنجاه کارشناس حوزه شهری و عمران نظرخواهی شده است.

#### ۴- یافته های تحقیق

یافته های تحقیق در دو بخش تحلیل توصیفی و تحلیل آماری، تجزیه و تحلیل شده اند که در ادامه به بررسی آنها پرداخته ایم

##### ۴-۱- تحلیل توصیفی یافته های پرسشنامه:

##### ۴-۱-۱- بررسی سئوالات مربوط به توسعه اجتماعی - فرهنگی

نتایج بررسی توزیع فراوانی سئوالات مربوط به توسعه اجتماعی - فرهنگی نشان میدهد که، ۸۰ درصد از پاسخگویان معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث بهبود شرایط اجتماعی شهروندان شود. ۸۳ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث جلب مشارکت شهروندان در اداره امور محلی شود. ۶۹ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث بهبود وضعیت سواد شهروندان شود. ۸۱ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث پشتیبانی از سازمانهای غیردولتی و واگذاری مسئولیت ها و منابع بیشتر به آنها شود. ۸۰ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث ایجاد گروه های محلی داوطلب برای مقابله با سوانح طبیعی شود. ۸۴ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث تأمین خدمات اجتماعی و مسکن در حیطه استطاعت همگان شود. ۸۳ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث حفاظت از میراث تاریخی شود. ۸۰ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث حفظ تنوع فرهنگی شود. ۸۸ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث حفظ هویت محلی شود. ۷۵ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث حفاظت از میراث تاریخی و تنوع فرهنگی و هویت محلی و ابتکاراتی از این قبیل شود.

##### ۴-۱-۲- بررسی توزیع فراوانی سئوالات مربوط به توسعه اقتصادی

نتایج بررسی توزیع فراوانی سئوالات مربوط به توسعه اقتصادی نشان میدهد که، تقریباً ۸۸ درصد از پاسخگویان معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث کاهش فقر شهروندان شود. ۹۰ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث کاهش بیکاری شهروندان شود. ۸۱ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند باعث ایجاد فرصت های شغلی پایدار تولیدی و خدماتی شهروندان شود. ۸۴ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند به تأمین نیازهای اساسی محلی شهروندان کمک کند. ۹۰ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند به افزایش سطح درآمد شهروندان کمک کند. ۹۶ درصد معتقدند مدیریت

مشارکتی می تواند به ایجاد شرکت های تولیدی - خدماتی کمک کند. ۸۰ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند توان و قدرت خرید مسکن شخصی شهروندان را افزایش دهد. ۸۲ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند سطوح مهارت نیروی کار را بهبود بخشد. ۹۱ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند به توسعه و رشد بخش های مختلف اقتصادی (صنعتی، خدماتی، کشاورزی و ...) کمک کند. ۹۰ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند در رشد و گسترش پروژه های عمرانی و شهری مؤثر باشد.

### ۳-۱-۴- بررسی توزیع فراوانی سئوالات مربوط به توسعه زیست محیطی

نتایج بررسی توزیع فراوانی سئوالات مربوط به توسعه زیست محیطی نشان می دهد که، ۸۲ درصد از پاسخگویان معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند در ایجاد شبکه ای فضای سبز برای زیستگاه حیوانات مؤثر باشد. ۹۰ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند در حفظ زمین های کشاورزی و با ارزش منابع طبیعی مؤثر باشد. ۸۹ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند در ایجاد کمربند های سبز دور واحدهای شهری مؤثر باشد. ۸۴ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند در ممنوعیت هرگونه توسعه روی اراضی آبخیز و حریم چشمه ها مؤثر باشد. ۸۰ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند در کاهش مصرف منابع و تولید آلودگی در شهر و منطقه مؤثر باشد. ۹۴ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند در تقلیل مواد زائد جامد مؤثر باشد. ۷۵ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند در وضع مقررات انرژی برای ساختمانها مؤثر باشد. ۸۰ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند در ترویج استفاده از انرژیهای تجدید پذیر مؤثر باشد. ۸۱ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند در بازیافت بهتر زباله مؤثر باشد. ۸۵ درصد معتقدند مدیریت مشارکتی می تواند در تعیین استانداردهای پاکیزگی برای سوخت خودروها مؤثر باشد.

### ۲-۴- جدول همبستگی پیرسون:

با توجه به مسئله تحقیق که به دنبال « رابطه مدیریت مشارکتی و توسعه و عمران شهری » می باشد و در نظر دارد ارتباط و یا عدم ارتباط بین این دو مقوله را نسبت به هم بررسی کند. بر این اساس با توجه به فرض در نظر گرفته شده، به کمک آزمون همبستگی پیرسون، میزان و سطح همبستگی و جهت آن

بررسی شد. نتایج جدول زیر نشان می دهد که این دو بعد در سطح ۹۹ درصد و با یک درصد احتمال خطا دارای ضریب همبستگی ۰,۹۱۵ هزارم، بوده که ضریب بسیار بالا و عالی می باشد.

جدول : آزمون همبستگی پیرسون متغیرها. منبع: یافته های پرسشنامه ۱۴۰۰

همبستگی			مدیریت مشارکتی	توسعه و عمران شهری
مدیریت مشارکتی	Pearson Correlation	۱	.۹۱۵**	
	Sig. (2-tailed)		.۰۰۰	
	Sum of Squares and Cross-products	۷۲.۴۹۷		۸۱.۹۷۲
	Covariance	.۱۹۴		.۲۱۳
	N	۵۰		۵۰
توسعه و عمران شهری	Pearson Correlation	.۹۱۵**		۱
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰		
	Sum of Squares and Cross-products	۸۳.۹۷۲		۱۰۹.۸۷۵
	Covariance	.۲۱۳		.۲۸۰
	N	۴۰۰		۵۰

**\*\* . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)**

از آزمون همبستگی پیرسون جهت آزمون رابطه بین مولفه مدیریت مشارکتی و توسعه و عمران شهری استفاده شد و این آزمون نشان داد بین میزان و شدت مدیریت مشارکتی و توسعه و عمران شهری معناداری وجود دارد ( $N=50, P=0.000, R=0.915$ ). زیرا ضریب همبستگی یا  $R$ ، مقدار  $Sig$  ۰,۰۰۰ و سطح معناداری در سطح ۹۹ صدم می باشد. در نتیجه از جنبه آماری بین مولفه مدیریت مشارکتی و توسعه و عمران شهری با یکدیگر رابطه قوی و مستقیمی دارند.

به عبارت دیگر می توان گفت جهت رابطه میزان مدیریت مشارکتی و توسعه و عمران شهری مثبت است. یعنی هرچه قدر مشارکت ها و شدت آن بیشتر باشد میزان تغییرات در ابعاد توسعه و عمران

شهری زیاد خواهد بود. همانطور که نتایج آزمون نشان می دهد شدت همبستگی به دست آمده بالا و نوع رابطه مستقیم می باشد. واریانس توضیح داده شده ۰,۲۱۳٪ بوده که نشان دهنده پراکندگی داده ها حول میانگین می باشند و کمترین فاصله را با آن دارند. بر این اساس و با توجه به مقادیر مستخرج از آزمون همبستگی پیرسون که سطح ارتباط دو مولفه مدیریت مشارکتی و توسعه و عمران شهری را نشان می دهد آنرا بسیار خوب ارزیابی کرده، و فرض گرفته شده در تحقیق حاضر مورد تایید است. یعنی بین افزایش مشارکت و بهبود توسعه و عمران شهری، رابطه مستقیمی وجود دارد.

#### ۵- بحث و نتیجه گیری:

منظور از مشارکت، قدرت تأثیر گذاردن بر تصمیم گیریها و سهم شدن شهروندان در قدرت است (برک پور، ۱۳۸۶: ۲۵۲). مشارکت تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسئولانه است و یکی از سازوکارهای اعمال قدرت به شمار می رود که تنها می تواند از درون برخیزد (ارجمندنیا، ۱۳۸۰: ۸۲) مشارکت عمومی، به طور گسترده ای به عنوان درگیر شدن در تصمیم سازی، با هدف کارآمدتر کردن انتخاب های انجام گرفته تفسیر می شود. الگوی مشارکت در آنجایی وجود دارد که در چه مقطعی از بازپخش قدرت رخ می دهد (پیکراستاف و دیگران، ۲۰۰۲) در مدیریت مشارکتی بازتاب ارزش ها، در فرآیند برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی عینیت می یابد که این ارزش ها عبارتند از: امکان بیان دیدگاههای شهروندان درباره اقدامات مدیریت، پیمان همکاری بین مردم و تصمیم گیران، در نظر گرفتن منافع و نیازهای مشارکت کنندگان ایجاد تسهیلات برای مشارکت کردن مشارکت جویان، درگیر کردن مشارکتجویان در تعریف راه و رسم مشارکت، فراهم کردن اطلاعات مورد نیاز مشارکت جویان برای مشارکت و تعیین چگونگی اثرگذاری درون دادهای مشارکت جویان در تصمیم ها (دارایی، ۱۳۸۷: ۳۱) هنگامی که مدیریت مشارکتی پا به گستره مدیریت شهری می گذارد، می توان آن را اینگونه بیان کرد که: مدیریت مشارکتی شهری یعنی، توانمندسازی شهروندان به منظور مداخله در فرآیند تصمیم گیری مدیریت شهری (صادقی و رهنما، ۱۳۹۰: ۶۱)

برنامه ریزی شهری به دلیل ماهیت و کارکرد خود همه اعضای یک جامعه را به شکل های گوناگون و به میزانی متفاوت متأثر می کند زیرا با تخصیص زمین و فضا به فعالیت های مختلف و هدایت تغییرات آن در طی زمان، ساز و کار برنامه ریزی نه فقط می تواند بر ارزش زمین و فضا بلکه بر پخش و

بازپخش ثروت نیز اثر بگذارد. به همین دلیل در برنامه ریزی همواره پرده ای از راز داری در مسیر کار تهیه برنامه ها و انتخاب بین راهبردهای گزیده تا مرحله ای که در یک تصمیم نهایی همه چیز آشکار می شود وجود دارد (شریف زاده، ۱۳۸۸: ۲۰۸)

افزایش شفافیتف گشادگی و دموکراسی در برنامه ریزی، با وجودی که مشارکت همه جانبه، گسترده و پیوسته مردم در فرآیندهای برنامه ریزی و مدیریت شهری بسیار دشوار است، از خواسته هایی است که همواره مردم و صاحب نظران برنامه ریزی برای افزایش کارآمدی سیستم برنامه ریزی بیان کرده اند. با توجه به نقش برنامه ریزی در باز پخش منابع توسط ابزاری (چون تنظیم کاربرد زمین، تأمین خدمات رفاهی، تسهیلات عمومی و تأسیسات زیربنایی شهری) که در اختیار دارد، هر گاه این نقش گسترش باید، ضرورت گشودن برنامه ریزی در برابر فشارهای دموکراتیک نیز بیش از پیش مطرح می شود. البته این به آن معنا نیست که وجود یک سیستم برنامه ریزی دموکراتیک می تواند موجب سهولت باز پخش متابع شود، بلکه افزایش درگیری مردم در برنامه ریزی ممکن است به افزایش کشمکش در درون سیستم نیز منجر شود. برنامه ریزی مبتنی بر مشارکت مردم آن است که تصمیم هایی که توسط سیاستمداران و مدیران اجرایی و با گروههای فشار گرفته می شود، به چالش خوانده شود، حتی اگر هیچ گونه جابجایی منابع به نفع گروههای محروم نیز انجام نگیرد. تأکید بر سیستم برنامه ریزی مردم گرا و یا مبتنی بر توسعه جوامع (که نه برنامه ریزی راهبردی و نه برنامه ریزی در سطوح فراتر از جوامع محلی با شهری و حتی فراتر از آن را انکار می کند). نیاز به بازنگری مقصود، ارزشها و بینش برنامه ریزی را مطرح نموده است. به این ترتیب جوامع در برابر بازار ملکی قرار می گیرد و برآوردن نیازهای مردم فقط پاسخی به تقاضا یا عدم تقاضای بازار ملکی تلقی می گردد بلکه اهمیت بسیار یافته و در مرکز توجه قرار می گیرد (عبادی دانشپور، ۱۳۸۷: ۴۱)

در تبیین نتایج به دست آمده می توان گفت که، الگوی اداره مدیریت مشارکتی شهر، به عنوان فرایند مشارکتی توسعه تعریف می شود که به موجب آن همه بهره وران شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری شدن سریع فراهم می کنند. در شرایط کشورهای در حال توسعه شهرنشینی سریع در تداوم مدیریت های سنتی شرایط نا مساعدی را در شهرها به وجود آورده که ضرورت تقویت حکومت های محلی و مشارکت مردم و بخش خصوصی را در برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری اجتناب ناپذیر می سازد. در واقع امروزه مشخص شده که حل مشکلات



شهری شدن سریع در این کشورها فقط با اصلاح رویکردهای سنتی مدیریتی و استفاده از رهیافت های نوین مدیریتی امکان پذیر است. بنابراین لازمه رفع ناپایداری ها از بدنه نهادهای مدیریتی و برنامه ریزی شهری و در واقع اثر پذیری، مسئولیت پذیری بیش تر در اداره امور شهری، تفویض وظایف و قدرت به حکومت های محلی و سایر ذی نفعان محلی است که تمام این ها به شیوه جدیدی از اداره شهرها به نام اداره مردمی شهر دلالت دارد. در این الگو، مدیریت شهری از بالا به پایین جای خود را به مدیریت شهری از پایین به بالا داده و در این راستا مشارکت شهروندان در اداره امور شهری جزء جدایی ناپذیر آن است.

شهر یک مجموعه است، مجموعه ای که عناصر و عوامل متعددی را در خود جای داده است. آدم های شهری به سه شیوه در حال زندگی هستند. (۱) به صورت فردی (۲) به صورت خانوادگی (۳) به صورت گروهی از سویی مکان های شهری نیز به سه دسته تقسیم می شوند (۱) مکان های عمومی سیاسی (۲) فعالیت های فرهنگی (۳) فعالیت های اقتصادی. این روابط بایستی باهم و در کنار هم، با رویکرد مشارکتی فضای قبل زیستی را برای شهروندان مهیا کنند. پیش بینی هر پدیده ای مستلزم آگاهی از مبانی فکری و نظری دانشی است که بررسی درباره آن پدیده را عهده دار می باشد. ضرورت شناخت از مقوله مشارکت بدان جهت دارای اهمیت است که اولاً یکی از مبانی اساسی و اصولی دموکراسی در دنیای امروز است و ثانیاً شهرداری ها و سایر ارگانهای مشارکت پذیر دولتی، زمینه ساز فرهنگ مشارکت برای رسیدن به آرمان های جامعه دموکراتیک بر اساس (ادبیات امروز) می باشند. بدون شک هر چقدر زیرساخت های مشارکت از ابعاد گوناگون بیشتر مورد کالبدشکافی قرار گیرد، پیش بینی شرایط، در راستای ارزش های مترتب بر مؤلفه مشارکت دقیق تر هویدا می شود.

در پایان می توان گفت که این نگاه و نگرش که در فرآیند برنامه ریزی باید مشارکت داشته باشند، نیازمند ساز و کاری است متناسب با شرایط زمانی و مکانی و برای عملی نمودن آن به کلیه ابعاد توسعه شهری باید توجه شود؛ چرا که تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما نشان داده است که برنامه ریزی متمرکز، آمرانه و از بالا به پایین دست آوردهای مطلوبی نداشته است. هر چه سطوح مشارکت محدود تر باشد امکان پذیری اجرایی و کار آمدی برنامه کاهش خواهد یافت و هزینه اجرا و نظارت مرکزی افزایش خواهد یافت و ضریب آسیب پذیری طرح ها و سیاست ها بالا خواهد گرفت.



## ۷- منابع و ماخذ:

- ایمانی، جواد. (۱۳۹۰). رابطه مدیریت مشارکتی و جو سازمانی با اثربخشی مدیران مدارس راهنمایی شهرستان بندرعباس. نشریه آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی). دوره ۴، شماره ۱۴: ۷۳ - ۴۵.
- تاج، شهره و نقی زاده، ناهید. (۱۳۸۹). بررسی مدیریت مشارکتی در برنامه ریزی توسعه جوامع روستایی و عشایری با تکیه بر تجاربی از ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا. دوره ۳- شماره ۱۰: ۵۴ - ۱۵.
- حقی، یعقوب و کرمی نسب، صدیقه (۱۳۹۹)؛ بررسی میزان رضایت مندی شهروندان نسبت به عملکرد شهرداری و شورای شهر (مطالعه موردی: شهر گرمی)، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۳، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۹، صفحه ۱۲۸-۱۴۲
- ربیعی فر، ولیالله و دیگران(۱۳۹۲)؛ ارزیابی توسعه پایدار شهر زنجان از دیدگاه یز ستمح یطی بر پایه تکنیک *SWOT*، مطالعات و پژوهشهای شهری و یا منطقه، سال چهارم، شماره شانزدهم، بهار، صص ۱۰۵-۱۳۰.
- رجبی، آریتا. (۱۳۹۰). شیوه های مشارکت شهروندی در فرآیندهای توسعه شهری. فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط. شماره ۱۲: ۱۱۶ - ۱۰۱.
- رحمانی، محمد(۱۳۹۱)؛ کلانشهر، ویژگی ها و مفاهیم، تهران، انتشارات امید انقلاب با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
- رحیمی بالکانلو، خدیجه؛ قربانی، مهدی؛ جعفری، محمد و طویلی، علی. (۱۳۹۴). قدرت اجتماعی و شاخص مرکزیت در شبکه بهره برداران مرتع در راستای مدیریت مشارکتی (منطقه مورد مطالعه: مرتع گورمومنین، منطقه کلاته رودبار، دامغان). نشریه مرتع و آبخیزداری (منابع طبیعی ایران). دوره ۶۸. شماره ۱: ۶۴ - ۴۷.
- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۳). مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: نشر قومس
- رفیعیان، مجتبی و سکینه معروفی. (۱۳۹۰). نقش و کاربرد رویکرد برنامه ریزی ارتباطی در نظریه های نوین شهر سازی، آرمان شهر، شماره ۷، صص ۱۱۳ - ۱۲۰.

رهنمایی، محمدتقی و دیگران. (۱۳۹۰). ارزیابی قابلیت‌های توسعه شهری مراغه با استفاده از مدل ترکیبی *ANP SWOT* مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۲۴، پاییز، صص ۷۷-۱۰۰.

رهنورد، فرج الله. (۱۳۸۰). مدیریت مشارکتی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

زمردی، دانش (۱۳۹۵)؛ نقش و جایگاه مدیریت مشارکتی در توسعه و عمران شهری (مطالعه موردی

شهرستان پاوه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی باختر ایلام، دانشکده جغرافیا

زیاری، کرامت الله؛ قاسمی، سعید؛ مهدیان بهنمیری، معصومه و مهدی، علی. (۱۳۹۴). *CDS*، رویکردی

مشارکتی در فرآیند چشم انداز سازی توسعه شهری (مورد پژوهش: شهر مهاباد). مجله علمی -

پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی سال ۲۰. دوره ۱۹. شماره ۵۳: ۲۰۱ - ۱۹۷.

شیخ محمدی و مجید و تولیت زاده و محمد رضا. (۱۳۸۰). مدیریت مشارکت پذیر بر اساس نظام

پیشنهادها، تهران: انستیتو ایز ایران

صادقی، مجتبی و رهنما، محمدرحیم. (۱۳۹۰). تبیین ساختاری - کار کردی مدیریت مشارکتی شهری

(مطالعه موردی: شهر مشهد). فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی. دوره ۴، شماره ۱: ۱۸۴ - ۱۶۹.

قوت دین، محمدسعید. (۱۳۹۴). طراحی مدل اخلاق مشارکتی در مدیریت کیفیت جامع. نشریه اخلاق

در علوم و فناوری. دوره ۱۰. شماره ۳: ۱۲۰ - ۱۱۱.

مهدیزاده، جواد (۱۳۸۵). برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در

ایران، انتشارات کیانقش.

یارمحمد توسکی، مریم (۱۳۹۴). بررسی وضعیت همبستگی اجتماعی در توسعه شهری اراک. نشریه

مطالعات ملی. دوره ۱۶. شماره ۶۲ پیاپی ۲: ۱۵۰ - ۱۳۳.

*Dixon, Tim. (2011). Sustainable Urban Development to 2050: Complex Transitions in the Built Environment of Cities, Oxford Institute for Sustainable Development, Oxford Brookes University.*